

اقتضانات تازه آمد معرفت‌شناختی و دین‌شناختی پیش روی فقه تفسیر در بازخوانی روش‌شناختی مرجع

سیدامیر سخاوتیان^۱

چکیده

جهان معاصری، تحولات فراوانی در عرصه‌های پارادایمی اعم از مبانی، اصول، قواعد و نظام مسائل را در خود تجربه می‌نماید. این تحولات پارادایمی، ریشه در تحولات معرفت‌شناختی و دین‌شناختی دارد که حاصل آن، پیدایش اقتضانات تازه آمد در عرصه روش‌شناختی فقه تفسیری است. به عبارتی، فقه تفسیر در جهان معاصری، نیازمند یک روش‌شناسی جامع است که بتواند از مبنا تا بنا را تبیین نموده و پاسخ‌گوی نظام مسائل پیش روی خود باشد. اقتضانات حاکم بر روش‌شناختی مرجع، از یک سو، ریشه در مباحث مبانی نظری معاصری و پرسش‌های حاصل از آن و از سوی دیگر، در فهم دین‌شناختی نوین و پرسش‌های حاصل از آن دارد. از سوی دیگر، در برآیند رفت‌وآمد بین مبانی نظری و فهم دینی، ضلع تحقق دین فهم‌بنیان پدید می‌آید که با دو ضلع دیگر تعامل مستقیم دارد. حاصل آنکه، از ترکیب این سه ضلع، نوعی روش‌شناسی پدید می‌آید که به نوعی جلوه‌گر روش‌شناسی مرجع است. ضلع نخست، مبانی نظری و پارادایمی است که به‌نوبه خود از مبانی فلسفه دینی، آغاز و به مبانی معرفت‌شناختی دینی منجر گشته و پرسش‌های خود را بازخوانی می‌نماید. از آن جمله پرسش‌ها می‌توان به حقیقت دین، نیاز به دین، جامعه دینی، زبان متن، نوع ارتباط متن و مخاطب، امکان یا عدم‌امکان تاریخ‌مندی متن، ساختار پدیداری متن، دور هرمنوتیکی در متن و غیره اشاره نمود که هر یک از این پرسش‌ها، ریشه در مبانی معرفت‌شناختی خودویژه دارد. لذا در پرسش اصلی پژوهش حاضر آمده است که اقتضانات تازه آمد معرفت‌شناختی و دین‌شناختی پیش روی فقه تفسیر، در بازخوانی روش‌شناسی مرجع تفسیری چیست؟ ضرورت این نگرارش از یک سو، در ادراک دوران گذار و تحولات پیش روی جهان معاصر و از سوی دیگر، در طراحی راهبردی تمدن دینی خود را نشان می‌دهد. در این نوشتار تلاش شده است تا با مطالعه کتابخانه‌ای به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته و آنان را به صورت توصیفی - تحلیلی بررسی نماید. نتیجه آن نیز شناخت مؤلفه‌های بنیادین در روش‌شناسی مرجع بر اساس اقتضانات معرفت‌شناختی و دین‌شناختی جهان کنونی است.

واژگان کلیدی: اقتضانات تازه آمد، معرفت‌شناختی، دین‌شناختی، فقه تفسیر، روش‌شناختی مرجع.

^۱ پژوهشگر پژوهشکده مطالعات تقریبی، پژوهشگر مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد).